

Explaining the role of rentier sources in the power structure of government based on the dialectical approach of political networks (Case- study: Bahraini government)

Azam Khani Valdani*

Received: 2019/11/19

Hossein Masoudnia **

Accepted: 2020/06/28


Seyyed Javad Emam jomeh zadeh ***

A key aspect of states is their structure of power. States are not like each other in power structure, and they are different. One of the effective factors on the structure of states power is related to the use of rental resources. In this regard, one of the theories that analyzed these states is rentier state theory. Existing researches in this theory has some deficiencies, such as the methodology weakness to explain the role of rental sources on the structure of state power. So the main purpose of this paper is developing the knowledge in rentier state theory through the use of a new theoretical-experimental approach, namely the political networks dialectical approach to explaining the role of rental resources in the structure of state power. A case study is state of Bahrain. The main question is, what is the role of the rental resources in the power structure of the Bahrain state based on the political networks dialectical approach? The researcher's approach is explanatory. The theoretical framework is based on the political networks dialectical approach using of the documentation tool for qualitative findings, and of the quantitative tool (by SOcNETV software) for quantitative findings in network analysis. The results of the paper show that rental resources play a major role in building the patron-client model in the power structure of the Bahrain state, and the political networks dialectical approach is also useful in analyzing this kind of structure.

Keywords: Bahrain, Dialectical Approach, Patron-Client, Political Networks, Power Structure, Rentier State.


* Ph. D. Candidate of political science (Political Sociology), Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, I.R.Iran.

Az.khani@ase.ui.ac.ir

 0000-0002-2623-4863


** Associate Professor of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, I.R.Iran (Corresponding author).

h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

 0000-0003-2928-2251

*** Associate Professor of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, I.R.Iran.

javad@ase.ui.ac.ir

 0000-0003-2075-7572

تبیین نقش منابع رانتهی در ساختار قدرت دولت بر اساس رویکرد دیالکتیکی شبکه‌های سیاسی (مطالعه موردی دولت بحرین)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸

اعظم خانی ولدانی*

حسین مسعودنیا**

سیدجواد امام جمعه‌زاده***

مقاله برای بازنگری به مدت ۵۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

یکی از جنبه‌های کلیدی دولت‌ها مربوط به ساختار قدرت آنها می‌باشد. دولت‌ها از نظر ساختار قدرت مانند یکدیگر نیستند و از گستره مختلفی برخوردارند. از جمله عوامل تأثیرگذار بر ساختار قدرت دولت‌ها مربوط به بهره‌مندی از منابع رانتهی می‌باشد. در این خصوص یکی از نظریاتی که دولت‌های برخوردار از منابع رانتهی را تجزیه و تحلیل نموده است، نظریه دولت رانتهی است. تحقیقات موجود در این نظریه از کاستی‌هایی مانند ضعف روش‌شناسی جهت تبیین نقش منابع رانتهی بر ساختار قدرت دولت برخوردار می‌باشد. لذا هدف اصلی این مقاله تقویت دانش موجود در نظریه دولت رانتهی از طریق استفاده از یک رویکرد جدید یعنی رویکرد دیالکتیکی شبکه‌های سیاسی برای تبیین نقش منابع رانتهی در ساختار قدرت دولت می‌باشد. مطالعه موردی دولت رانتهی بحرین می‌باشد. سؤال اصلی این است که منابع رانتهی چه نقشی در ساختار قدرت دولت بحرین بر اساس رویکرد دیالکتیکی شبکه‌های سیاسی دارد؟ رویکرد محقق تبیینی است. چهارچوب نظری مبتنی بر رویکرد دیالکتیکی شبکه‌های سیاسی است که برای یافته‌های کیفی از ابزار اسنادی استفاده می‌گردد و برای یافته‌های کمی در تحلیل شبکه‌ای، از نرم‌افزار «SOCNETV» استفاده می‌گردد. نتایج نشان می‌دهد که منابع رانتهی نقش زیادی در ایجاد مدل حامی - مشتری در ساختار قدرت دولت بحرین دارد و رویکرد دیالکتیکی شبکه‌های سیاسی در تجزیه و تحلیل این نوع ساختار نیز از کارایی برخوردار است.

واژگان کلیدی: بحرین، حامی - مشتری، دولت رانتهی، ساختار قدرت، شبکه‌های سیاسی.

* دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.

Az.khani@ase.ui.ac.ir

0000-0002-2623-4863

** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

0000-0003-2928-2251

*** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.

javad@ase.ui.ac.ir

0000-0003-2075-7572

مقدمه

بیان مسئله: درک مناسب از کارکردها و ساختارهای دولت‌ها همواره نیازمند توجه به فرایندهای اقتصادی بوده است. این امر در دولت‌های رانتیر که درآمدهای رانتی، تأثیر زیادی بر ساختار متمرکز قدرت داشته، به مسئله‌ای مهم تبدیل شده است. مقاله حاضر سعی دارد به این مسئله در دولت بحرین بپردازد.

اهمیت: از آنجا که این مقاله از رویکرد دیالکتیکی شبکه‌های سیاسی استفاده می‌نماید، دارای اهمیت روشی است. افزون بر این دارای اهمیت کاربردی می‌باشد و دستاوردهای آن می‌تواند برای سیاست‌گذاری در دولت‌های رانتیر سودمند باشد.

ضرورت: از آنجا که عمده تحقیقات انجام شده در این زمینه به موضوع مهم ساخت قدرت توجه نداشته‌اند و بیشتر منابع مالی دولت را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ این امر نوعی انحراف در تحلیل و تصمیم‌گیری، ایجاد نموده که در صورت عدم جبران آن، می‌تواند به استمرار آسیب‌ها در الگوی حکمرانی منجر گردد. با این توصیف تحقیق حاضر دارای ضرورت کاربردی می‌باشد.

اهداف: هدف اصلی این مقاله تقویت دانش موجود در خصوص دولت رانتیر از طریق استفاده از رویکردی جدید، یعنی رویکرد دیالکتیکی شبکه‌های سیاسی، برای تبیین نقش منابع رانتی در ساختار قدرت دولت می‌باشد. فراتر رفتن از سطح توصیف و تقویت بعد تحلیلی در بررسی ساختار قدرت‌های رانتیر، از جمله اهداف فرعی می‌باشند.

سؤال‌ها و فرضیه: این پژوهش فرضیه‌آزما نیست. سؤال اصلی عبارتست از: منابع رانتی چه نقشی در ساختار قدرت دولت بحرین بر اساس رویکرد دیالکتیکی شبکه‌های سیاسی دارد؟ سؤال‌های فرعی عبارتند از: نقش منابع رانتی در ایجاد و تقویت بازیگران در شبکه سیاسی بحرین چگونه است؟ جایگاه بازیگران در شبکه سیاسی بحرین چگونه است؟ مدل ساختار قدرت در بحرین چیست؟ پیامدهای شبکه سیاسی بحرین چه می‌باشد؟

روش پژوهش: تحقیق حاضر از نظر هدف توسعه‌ای است و رویکرد پژوهشگر تبیینی می‌باشد. داده‌ها به روش اسنادی گردآوری و برای تحلیل آنها از نرم‌افزار SocNetV¹ استفاده شده است.

۱. پیشینه تحقیق

در ارتباط با موضوع تحقیقات زیادی انجام شده که در دو سطح قابل بررسی است:

۱-۱. پیشینه تحقیق در نشریه دانش سیاسی

در نشریه دانش سیاسی می‌توان این تحقیقات را به دو دسته تقسیم نمود:

الف. تحقیقاتی که به نقش منابع رانتی در وقوع انقلاب پرداخته‌اند

این تحقیقات به نقش منابع رانتی در اقتدارگرایی دولت محمدرضا شاه و متعاقباً وقوع انقلاب اسلامی ایران پرداخته‌اند. برای مثال می‌توان به این موارد اشاره نمود: حشمت‌زاده، ۱۳۹۰ و کشاورز شکری و سالم، ۱۳۹۷.

ب. تحقیقاتی که به نقش منابع رانتی در سیاست خارجی پرداخته‌اند

این تحقیقات بهره‌مندی ایران از منابع نفتی را به عنوان یکی از عوامل نقش‌آفرینی سیاست خارجی تحلیل نموده‌اند. برای مثال می‌توان به: ذوالفقاری، ۱۳۹۹ اشاره نمود.

۲-۱. پیشینه تحقیق در سایر منابع

با توجه به نقشی که برای منابع رانتی در این تحقیقات مورد تأکید بوده، می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم نمود:

الف. تحقیقاتی که به نقش منابع رانتی در دولت‌سازی پرداخته‌اند

بر اساس این تحقیقات، روند دولت‌سازی در اروپا مبتنی بر جنگ و متعاقباً وابستگی به مالیات و در نتیجه ایجاد دولت‌های قوی است، اما در خاورمیانه مبتنی بر درآمدهای رانتی و عدم وابستگی به مالیات و در نتیجه ایجاد دولت‌های ضعیف از جهت پاسخگویی می‌باشد (برای مثال می‌توان به این موارد اشاره نمود: Rubin, 1992; Verkoren and Kamphuis, 2013).

ب. تحقیقاتی که به نقش منابع رانتی در تعیین ماهیت قدرت پرداخته‌اند

بر اساس این تحقیقات، در دولت‌های متکی به درآمدهای رانتی، دولت نیازی به استخراج مالیات از جامعه در عوض پاسخگویی به آن ندارد. در نتیجه دولت، استبدادی و غیردموکراتیک می‌شود (برای مثال می‌توان به این موارد اشاره نمود: لوسیانی، ۱۳۸۶ و Ross, 2001; Collier and Hoeffler, 2009).

پ. تحقیقاتی که به نقش منابع رانتی در ثبات قدرت پرداخته‌اند

این دسته از تحقیقات بنوبه خود، به دو بخش تقسیم می‌شوند:
اول. تحقیقاتی که به نقش منابع رانتی در ثبات دولت پرداخته‌اند. بر این اساس درآمدهای بالای نفتی از طریق تقویت سلطه خانواده حاکم، خرید سکوت مردم و تجهیز دستگاه‌های سرکوب، ثبات دولت‌ها را فراهم می‌نماید (نک. کریستال ۱۳۷۸ و Basedau and Lacher, 2006; Cipriani, 2012).

دوم. تحقیقاتی که به نقش منابع رانتی بر بی‌ثباتی دولت پرداخته‌اند. بر این اساس درآمدهای بالای نفتی از طریق عواملی مانند توزیع نابرابر درآمدهای رانتی، محدود شدن فضای سیاسی و غیره، موجب بی‌ثباتی دولت‌ها می‌گردد (نک. اسکاچپول، ۱۳۸۲ و واعظی، ۱۳۹۲ و Gengler, 2015 اشاره نمود).

بر این اساس مشخص می‌شود که تحقیقات موجود دارای ضعف‌هایی مانند عدم تمرکز بر تحلیل خود ساختار قدرت و روابط میان بازیگران، عدم ارائه مدل‌های ساختار قدرت، توصیفی بودن و ضعف در استفاده از روش‌های تحقیق نظری - کمی می‌باشد. لذا جنبه نوآوری این پژوهش این است که بر «ساختار قدرت و روابط میان بازیگران» تمرکز نموده و از یک رویکرد نظری - کمی بهره برده است.

۲. مبانی مفهومی

۲-۱. رانت

رانت، درآمد و در واقع جایزه‌ای است که از مالکیت بر منابع طبیعی (نفت و گاز) ناشی می‌شود و این درآمد بدون تلاش مولد به دست می‌آید (میرترابی، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۳).

۲-۲. دولت رانتیر

گذشته از تفاسیر مختلفی که از اصطلاح دولت رانتیر ارایه شده (Mahdavy, 1970)، می‌توان چند ویژگی اساسی برای آن برشمرد: رانت بخش عمده درآمد دولت (غالباً بیش از ۴۰ درصد) را تشکیل می‌دهد، منشأ رانت خارج از اقتصاد است (یعنی رانت از منابع داخلی مانند مالیات به دست نمی‌آید)، یک اقلیت در جامعه، درگیر تولید رانت است در حالی که اکثریت درگیر در توزیع و استفاده از آن هستند، و دولت دریافت‌کننده اصلی رانت خارجی است و نقش مرکزی در توزیع آن دارد (Beblawi, 1987, pp.51-52).

۲-۳. ساختار قدرت دولت

ساختار قدرت بر توزیع مناصب کلیدی در نهادهای عالی‌ه یک جامعه متمرکز می‌باشد (اسکات، ۱۳۹۴، ص.۱۲۹). تجزیه و تحلیل ساختار قدرت دولت همیشه یک جنبه از کارهای مارکسیست‌ها بوده و بعدها در اوایل دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسعه داده شده است (Domhoff, 1975, p.4). از جمله دیدگاه‌های ساختار قدرت عبارت است از: پلورالیسم، نخبه‌گرایی و طبقاتی (Dobratz, Waldner & Buzzell, 2016, pp.10-17).

۲-۴. حامی - مشتری^۲

«حامی - مشتری» یکی از مدل‌های ساختار قدرت دولت‌ها می‌باشد و در چهارچوب دیدگاه نخبگان قرار دارد. این مدل به پیوندهای شخصی میان مشتریان و حامیان اشاره دارد. این پیوندها بر پایه منافع مادی دو سویه استوار می‌باشند: حامیان، منابع (پول، شغل) را به مشتریان خود در ازای حمایت آنها (رأی، حضور در راهپیمایی‌ها) می‌بخشند (Brinkerhoff & Goldsmith, 2002, pp.2-3).

۲-۵. تحلیل شبکه‌ای

تحلیل شبکه‌ای، به مجموعه متدها، تکنیک‌ها و ابزارهایی گفته می‌شود که هدف آن تحلیل ساختارها و جنبه‌های ارتباطی این ساختارها در یک شبکه است (ابوالحسنی، ۱۳۹۲، ص.۱۴۲). دو جزء اساسی همه تحلیل‌های این رویکرد، مجموعه‌ای از اشیاء، و مجموعه‌ای از روابط میان این اشیاء می‌باشد. اقتباس از روش‌های تحلیل شبکه‌ای در علوم سیاسی و ساختار قدرت در اواخر قرن بیستم ظاهر شد. در این خصوص می‌توان به تئوری «شبکه سیاسی»^۳ اشاره نمود که به مجموعه‌ای از بازیگران سیاسی در داخل و خارج از دولت اشاره دارد که در سیاست‌های عمومی درگیر هستند (Compston, 2009, pp.7-8). همچنین می‌توان به «مدل دولت سازمانی» اشاره نمود که طی آن جایگاه‌های مرکزی در شبکه، به وسیله مقامات دولتی و گروه‌های ذینفع اشغال می‌شوند که به منابع قدرت سازمانی مانند اقتدار رسمی و پول وابسته می‌باشند (Knocke, 1988, pp.540-541). تئوری شبکه‌های حکومتی، نیز مبتنی بر تعامل مذاکره‌ای بین بازیگران عمومی، نیمه دولتی و خصوصی است (Eva & Torfing, 2007, p.3).

یکی از مباحث مهم در تحلیل شبکه‌ای در علوم سیاسی مربوط به نقش عوامل و ساختار است. بر اساس رابطه عوامل و ساختار، مارش و اسمیت، سه رابطه دیالکتیکی در شبکه را شناسایی می‌نمایند:

اول. دیالکتیک شبکه و عوامل درون آن. در این خصوص شبکه‌ها ساختارهایی هستند که عوامل را محدود یا تسهیل می‌کنند؛

دوم. دیالکتیک شبکه و زمینه آن. در این خصوص شبکه از منظر تغییرات وارده از محیط بیرون که متأثر از ظرفیت شبکه است تجربه و تحلیل می‌گردد؛

سوم. دیالکتیک شبکه و نتایج سیاسی. در این خصوص شبکه‌ها نتایج سیاست‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. البته، نتایج نیز بر روی شبکه‌ها تأثیر می‌گذارد (Marsh & Smith, 2000, pp.5-9).

۳. مبانی نظری و الگوی تحلیل

رویکرد مقاله حاضر هر چند بر اساس رویکرد دیالکتیکی مارش و اسمیت است، اما تفاوت‌هایی با آن در خصوص نحوه چیدمان ساختار شبکه با زمینه و عوامل دارد. از این منظر بنیان‌های الگوی تحلیل منتخب نویسندگان به شرح زیر است:

۳-۱. دیالکتیک زمینه و گره‌های شبکه

در مرحله اول، به ارتباط بین زمینه رانتی و عوامل/گره‌های شبکه سیاسی بحرین پرداخته می‌شود. این مرحله از سال ۱۹۳۰ همزمان با استخراج نفت آغاز می‌گردد. در این خصوص به تأثیر منابع رانتی در ایجاد و تقویت گره‌های شبکه سیاسی بحرین پرداخته می‌شود. این گره‌ها عبارتند از: دولت، قبایل سنی، نیروهای امنیتی، بوروکراسی، بازرگانان، احزاب، اتحادیه‌های کارگری، کارگران خارجی، و شیعیان.

۳-۲. دیالکتیک شبکه و گره‌ها

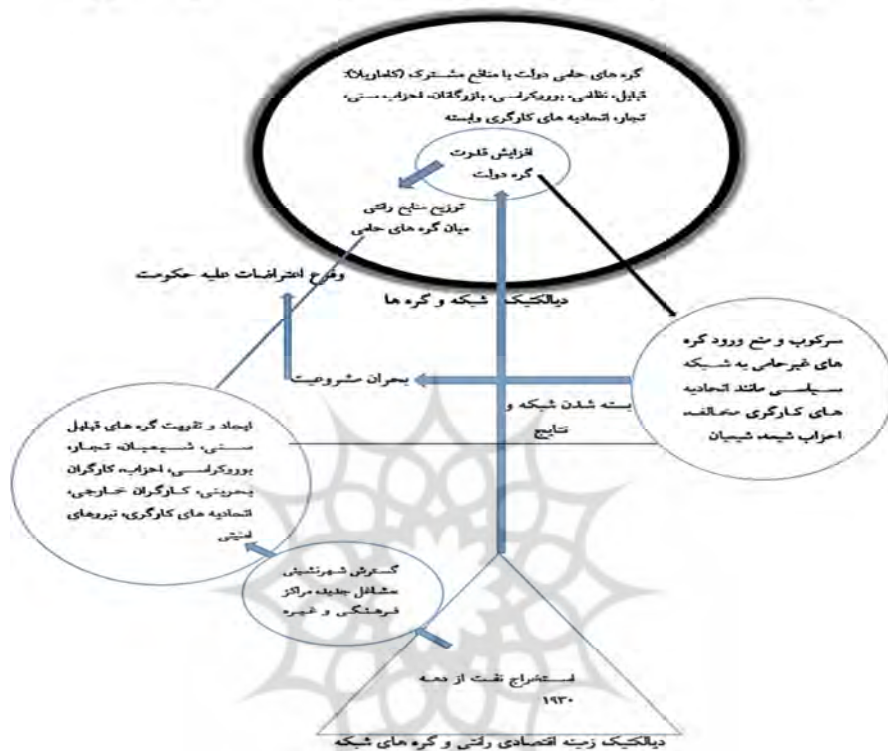
در مرحله دوم، به ارتباط شبکه و گره‌های درون آن پرداخته می‌شود. در این خصوص برای تعیین مرکزیت گره‌ها در شبکه، پیوندهای آنها با یکدیگر تجزیه و تحلیل می‌گردد. در ابتدا به پیوند گره‌ها با دولت در شبکه سیاسی بحرین از منظر توصیفی - تحلیلی پرداخته می‌شود. این نوع از پیوندها در دو دسته قرار داده می‌شوند: یک: گره‌های حامی

دولت که عبارتند از: قبایل سنی، نیروهای امنیتی، بوروکراسی، بازرگانان، احزاب سنی حامی و اتحادیه‌های کارگری حامی دولت؛ و دو: گره‌های حاشیه‌ای که عبارتند از: کارگران خارجی، اتحادیه‌های کارگری مخالف دولت، احزاب شیعه و شیعیان. سپس پیوندهای گره‌های حامی و حاشیه‌ای، به صورت مجزا با دولت و سپس پیوندهای کل گره‌ها با هم، از طریق روش تجربی/کمی تحلیل شبکه‌ای با استفاده از نرم‌افزار (SocNetV) تجزیه و تحلیل می‌گردد.

۳-۳. دیالکتیک شبکه و نتیجه

در مرحله سوم، به رابطه شبکه سیاسی بحرین و نتایج حاصل از آن پرداخته می‌شود. در این خصوص به ویژگی بسته ساختار شبکه سیاسی بحرین و نتیجه آن در قالب بحران مشروعیت پرداخته می‌شود. در خصوص ویژگی بسته شبکه، از نظریه اسچاپ، استفاده می‌گردد. از نظر وی دو نوع بسته شدن وجود دارد: اجتماعی و شناختی. بسته شدن اجتماعی، زمانی رخ می‌دهد که بازیگران خاصی از تعامل حذف شوند. این نوع از بسته شدن می‌تواند توسط خود بازیگران و یا توسط شبکه به صورت آگاهانه و یا ناآگاهانه صورت گیرد. دو شکل ناآگاهانه و آگاهانه از بسته شدن شناختی نیز قابل شناسایی است. در شکل اول، بازیگران بر اساس چهارچوب مرجعی که ادراک آنها را سازماندهی کرده به تفسیر یک واقعیت می‌پردازند. بسته شدن شناختی آگاهانه نیز زمانی اتفاق می‌افتد که یک خط خاص از رویکرد را برای خارج شدن از نظم اعلام می‌کنند. بسته شدن شناختی نیز می‌تواند توسط بازیگران و یا شبکه صورت گیرد. دو نوع بسته شدن (اجتماعی و شناختی) می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند (Schaap, 2007, pp.111-112, 118-119). با توجه به الگوی تحلیل، نمای کلی آن مطابق شکل (شماره ۱) می‌باشد:

شکل شماره (۱): الگوی تحلیل دیالکتیکی شبکه سیاسی (متناسب با شرایط بحرین)



(منبع: طراحی شده توسط محققان)

۴. روش تحقیق

در این مقاله با اتکاء بر تکنیک اسنادی، اطلاعات منابع رانسی در بحرین، تأثیر منابع رانسی بر طبقات و تقویت دولت، چگونگی پیوند عوامل/گروه‌ها در شبکه سیاسی بحرین، ویژگی بسته شبکه و نتایج آن به دست آمد. علاوه بر این در مرحله دوم مقاله یعنی دیالکتیک شبکه و گروه‌ها، جهت روش تجربی در تحلیل شبکه‌ای، از نرم‌افزار SocNetV برای کمی‌سازی پیوند گروه‌ها در شبکه سیاسی بحرین نیز استفاده گردید. بر اساس روش تجربی در تحلیل شبکه‌ای، افراد، سازمان‌ها، احزاب، دولت و غیره به عنوان «گروه»های شبکه هستند که «پیوندها» و «لبه‌ها» میان آنها تجزیه و تحلیل می‌گردد. این روش از هر دو «روش گرافیکی» که در آن گروه‌ها به صورت نقاط و روابط آنها به

عنوان خطوط در یک نمودار نمایش داده می‌شوند، و «روش جبری» که در آن گره‌ها و روابط آنها در یک ماتریس نشان داده می‌شود، استفاده می‌کند. بر این اساس گره‌ها در ردیف اول و ستون اول می‌آیند و اعداد داخل ماتریس نشان‌دهنده روابط آنها می‌باشند. این اعداد می‌توانند به صورت باینری (۰-۱) نمایان شوند. صفر نشان‌دهنده تعداد کم یا هیچ و یک سطح بالاتر ارتباط را نشان می‌دهد (Knoke, 1988, pp.548). از مرکزیت برای شناسایی توزیع قدرت در شبکه‌ها استفاده می‌شود. از جمله معیارها برای تعیین مرکزیت در شبکه عبارتند از:

یک. مرکزیت درجه^۴: درجه به معنی تعداد پیوندهایی است که یک گره با گره‌های دیگر دارد. گره‌هایی با پیوندهای زیاد دارای موقعیتی بالا در شبکه هستند؛ دو. مرکزیت نزدیکی^۵: اساساً طول کوتاه‌ترین مسیر از یک گره به گره‌های دیگر است. اگر هر گره بتواند در کوتاه‌ترین مسیر با سایر گره‌ها ارتباط برقرار کند، گره مرکزی تر است؛

سه. مرکزیت فاصله^۶: بدین معنا که هر یک از گره‌ها در کوتاه‌ترین مسیر بین دو گره دیگر قرار می‌گیرد. بنابراین، یک گره با معیار فاصله بالا، کنترل جریان اطلاعات و منابع را در اختیار دارد (Niko, 2016, pp.4-5).

در این مقاله معیار «مرکزیت درجه» انتخاب گردید، چراکه در دولت‌های رانتیر تعداد اتصالات مستقیم دولت بر سایر گره‌ها بیشتر است و لذا عاملی جهت مرکزیت آن در شبکه است. علاوه بر این، هر چقدر تعداد اتصالات شخصی و وفادارانه سایر گره‌ها بیشتر باشد، مرکزیت آنها بیشتر است. گامی‌هایی که برای تعیین مرکزیت درجه در بین گره‌های شبکه سیاسی بحرین با استفاده از نرم‌افزار (SocNetV) برداشته شد، عبارت است از:

یک. در ابتدا مرکزیت درجه دولت بر اساس چیدمان گرافیکی «سطح‌بندی شده بر اساس شاخص برتری^۷» ترسیم گردید؛

دو. مرکزیت درجه گره‌های حامی دولت و گره‌های حاشیه‌ای، با ارائه ماتریس تعداد اتصالات آنها و ترسیم آن بر اساس چیدمان گرافیکی «سطح‌بندی شده بر اساس شاخص برتری» مشخص گردید؛

سه. مرکزیت درجه همه گره‌ها (اعم از دولت، حامی و حاشیه‌ای) در شبکه سیاسی با

ارائه ماتریس تعداد اتصالات آنها، ترسیم آن بر اساس چیدمان گرافیکی «سطح‌بندی شده بر اساس شاخص برتری» و نمودار وزنی آنها بر اساس «شاخص‌های مرکزیت و اعتبار»^۸ مشخص گردید.

۵. دیالکتیک زمینه اقتصادی رانتی و گره‌های شبکه سیاسی بحرین

این قسمت از یک فرایند تاریخی آغاز می‌گردد و به این بحث اختصاص دارد که چگونه کشف و استخراج نفت در دهه ۱۹۳۰، در ایجاد و تقویت گره‌های شبکه سیاسی نقش داشته است. بحرین از زمان‌های قدیم تا سال‌های ۱۹۳۰ مرکز تهیه مروارید و صنایع مربوط بدان بوده است. اما این صنعت به دلیل برخی تغییرات در دهه ۱۹۳۰ با کاهش مواجه شد که مهم‌ترین آن کشف و استخراج نفت می‌باشد (نوگت و توماس، ۱۳۶۹، صص. ۱۲-۱). در سال ۱۹۳۰ کمپانی نفت بحرین، باپکو،^۹ با مشارکت استاندارد اوپل و تکزاکو تأسیس یافت. در سال ۱۹۳۲ اولین چاه نفت در ناحیه «جبل دخان» در «جنوب عوالی» به نفت رسید. غیر از منطقه «جبل دخان» یک حوزه نفتی دریایی نیز در ناحیه «ابوصفا» کشف شد که میان بحرین و عربستان سعودی مشترک است. بحرین در سال ۱۹۸۷ مالکیت کامل «باپکو» را به دست آورد (ج.ا.ایران. وزارت بازرگانی، ۱۳۶۴، صص. ۵۳-۵۱). با استخراج نفت، بحرین به دولت‌های رانتیر که وابستگی زیادی به درآمدهای نفتی دارند، پیوست. در ادامه به تأثیر منابع رانتی بر ایجاد و یا تقویت گره‌های شبکه سیاسی بحرین می‌پردازیم. این گره‌ها عبارتند از:

اول. تأثیر منابع رانتی بر گره دولت

از جمله مهم‌ترین گره و بازیگر در شبکه سیاسی بحرین، دولت می‌باشد که زمینه اقتصادی رانتی در افزایش قدرت آن نقش بسزایی داشته است. آنچه از فتوحات آل‌خلیفه در سال ۱۷۸۳ به دست آمد، یک جامعه فئودالی بود که درآمد آن مبتنی بر مالیات از باغ‌های خرما یا زمین‌های کشاورزی بود که توسط بحارنه اداره می‌شدند (Jones, 2017, p.1). صنعت مروارید نیز یکی دیگر از درآمدهای حاکمان بحرین بود. (Al-Rumaihi, 1973, pp.73). با کشف و استخراج نفت، درآمدهای نفتی به مهم‌ترین منبع مالی دولت تبدیل شد که مطابق جدول زیر (شماره ۱) می‌باشد:

جدول شماره (۱): درصد درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت (۲۰۱۱-۲۰۱۷)

سال	میانگین قیمت سالانه نفت در هر بشکه دلار آمریکا	درآمد نفت به عنوان درصد کل درآمد دولت
۲۰۱۰	۷۷.۳۸	۸۶
۲۰۱۱	۱۰۷.۸	۸۷.۸
۲۰۱۲	۱۰۹.۴۵	۸۷.۲
۲۰۱۳	۱۰۵.۸۷	۸۸.۳
۲۰۱۴	۹۶.۲۹	۸۶.۲
۲۰۱۵	۴۹.۴۵	۸۶.۹
۲۰۱۶	۴۰.۶۸	۸۵.۵
۲۰۱۷	۵۲.۶۸	۸۲

(Source: Kreishan, Elseoud & Selim, 2018, p. 176)

درآمدهای نفتی حداقل از سه طریق به افزایش قدرت دولت منجر گردیده است: یک. حامی پروری: حکومت، از طریق درآمدهای رانتی توانسته اشکال جدید حامی پروری را به وجود آورد و موارد موجود را نیز تعمیق دهد تا ثبات قدرت خود را تضمین نماید (Kamrava, 2018, p.4)؛ دو. گسترش سرکوب: حاکمان با کمک درآمد نفت، قدرت سرکوب خود را افزایش داده‌اند و مخالفت مؤثر را به حداقل رسانده‌اند؛ و سه. کاهش مالیات: افزایش درآمدهای نفتی، دولت را بی‌نیاز از درآمدهای مالیاتی نموده و به استقلال آن از جامعه منجر گردیده است.

دوم. تأثیر منابع رانتی بر گره قبایل سنی *قبایل سنی و مطالعات فرهنگی*
قبایل سنی در قبل از کشف و استخراج نفت، عموماً محافظه‌کار بودند و برخی از آنها در روستاهای خود منزوی بودند. با این حال، با گسترش صنعت نفت، آنها با ایده‌های جدید آشنا شدند (Al-Rumaihi, 1973, p.51) و ترجیح دادند وارد صنعت نفت و فعالیت‌های تجاری شوند. به عنوان نمونه می‌توان به بازرگان مهمی همچون خاندان کانو و فخرو، اشاره نمود (Gillespie & Gritzner, 2002, pp.63-64). آنها با سلطه بر اقتصاد، توانستند بر مهم‌ترین نهادهای سیاسی نیز سلطه یابند.

سوم. تأثیر منابع رانتی بر گره نیروهای امنیتی
صنعت نفت موجب تشدید دستگاه‌های امنیتی در بحرین گردید. بخش امنیتی بحرین

عبارت است از: نیروهای دفاعی بحرین، وزارت داخله، گارد ملی و آژانس امنیت ملی. نقش نیروی دفاعی بحرین، بیشتر حفاظت از رژیم از دشمنان داخلی و دفع هر مهاجم است. وزارت داخله، شامل گارد ساحلی، پلیس ترافیک و بخش‌های دیگر است. مأموریت اصلی گارد ملی محافظت از زیرساخت‌های مهم مانند میدان نفتی است. آژانس امنیت ملی نیز جاسوسی داخلی و خارجی را انجام می‌دهد (Vittori, 2019, pp.10-11).

چهارم. تأثیر منابع رانتی بر گره بوروکراسی

صنعت نفت به گسترش بوروکراسی نیز منجر شد. علاوه بر استخدام کارکنان حقوق بگیر، درآمدهای نفتی باعث گردید بخش‌های جدیدی از جمله خدمات عمومی و بهداشتی ایجاد شوند و ادارات گسترش یابد (Al-Rumaihi, 1973, pp.257, 333).

پنجم. تأثیر منابع رانتی بر گره بازرگانان

پس از استخراج نفت، علاوه بر قبایل سنی، دیگر بحرینی‌ها نیز به تجارت روی آوردند. در این دوران با ایجاد یک سیستم مدرن برای ایجاد قانون، مردم بیشتری تشویق شدند تا وارد مشاغل مختلف شوند. همین‌طور به دلیل اعمال محدودیت‌ها بر گروه‌های ملی خارجی به ویژه ایرانیان، برای بحرینی‌ها بسیار آسان‌تر شد تا در این حوزه فعالیت کنند (Al-Rumaihi, 1973, pp.255-258).

ششم. تأثیر منابع رانتی بر گره احزاب و تشکل‌ها

صنعت نفت از طریق رشد تحصیلات، تأسیس باشگاه‌های اجتماعی و فرهنگی و رشد بوروکراسی، به گسترش طبقه متوسط جدید کمک زیادی نمود و زمینه تشکیل احزاب را از سوی آنها فراهم نمود. از جمله احزاب سنی عبارتند از: جمعیت المنبر، که فعال‌ترین نهاد جریان سنی است که مستقیماً دولت را به چالش نمی‌کشد؛ و جمعیت الاصله، که رویکردی محافظه‌کارانه دارد. از جمله احزاب شیعه و معارض با دولت نیز عبارتند از: حزب الوفاق، که بزرگ‌ترین حزب معارض بحرینی است، جنبش امل و جنبش الحق^{۱۰} (آجیلی؛ گورزی و شربتی، ۱۳۹۲، صص. ۱۹-۲۱).

هفتم. تأثیر منابع رانتی بر گره اتحادیه‌های کارگری

در این قسمت، کارگران، در ذیل گره اتحادیه‌های کارگری قرار می‌گیرند زیرا تجزیه و تحلیل فعالیت‌های آنها بدون اتحادیه‌ها و تشکل‌ها چندان قابل اجرا نمی‌باشد. صنعت

نفت شغل‌های زیادی را برای کسانی که در اثر زوال صنعت مروارید بیکار مانده بودند، فراهم کرد و دوره جدیدی از فعالیت‌های کارگری را موجب گردید. در این خصوص کارگران در اتحاد با یکدیگر موفق به تأسیس اتحادیه کارگری بحرین^{۱۱}، در اکتبر ۱۹۵۵ شدند (Al-Rumaihi, 1973, pp.42, 165). در سال‌های اخیر این اتحادیه‌ها به دو گروه مخالف و حامی دولت تقسیم شده‌اند. از جمله اتحادیه‌های مخالف، می‌توان به فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری بحرین^{۱۲}، اشاره نمود که در سال ۲۰۱۱ درهم شکسته شد. فدراسیون آزاد اتحادیه کارگری بحرین^{۱۳}، که در سال ۲۰۱۲ تأسیس شد را نیز می‌توان از جمله اتحادیه‌های وابسته به دولت محسوب نمود (Bahrain Labour Market Profile, 2014, pp.4-5). بر اساس این شکاف، بیشتر اتحادیه‌های صنفی شیعه در فدراسیون عمومی باقی ماندند و سنی‌ها به فدراسیون آزاد، پیوستند (Louer, 2015).

هشتم. تأثیر منابع رانتی بر گره کارگران خارجی

در سال‌های پس از کشف و تولید نفت در بحرین، نیاز اصلی در حوزه کار با مهارت‌های خاص بوده که در داخل در دسترس نبوده است. بنابراین باید از خارج استخدام می‌شدند. بر این اساس، جریان مهاجرت کارگران خارجی به بحرین افزایش یافته و در سال ۱۹۴۱، نسبت خارجی‌ها در جمعیت به ۱۸ درصد رسید (Franklin, 1985, p.8). این روند هنوز ادامه داشته و در نتیجه افزایش کارگران خارجی، شاهد کاهش اشتغال کارگران بحرینی از ۳۳ درصد در سال ۲۰۰۶ به ۲۴ درصد در سال ۲۰۱۷ هستیم (Bahrain Human Development Report, 2018).

نهم. تأثیر منابع رانتی بر گره شیعیان

صنعت نفت باعث ارتباط شیعیان با سنی‌ها گردید که قبل از صنعت نفت و اسکان در شهرها، از ارتباط کمی با هم برخوردار بودند. علاوه بر این امکان اشتغال جایگزین را برای آنها فراهم نمود. بغیر از اقلیت کوچک ایرانی‌ها، اکثریت شیعه «بحارنه» هستند. آنها قدیمی‌ترین گروه در میان ساکنین کنونی هستند. شیعیان تا همین اواخر به سختی زندگی می‌کردند. شغل آنها صرفاً کشاورزی و دیگر کارهای پایین بود. توسعه صنعت نفت امکان اشتغال جایگزین را برای برخی از آنها فراهم کرد (Qubain, 1955, p.271).

۶. دیالکتیک شبکه و گره‌ها: پیوند گره‌ها در شبکه سیاسی بحرین

با توجه به قسمت قبلی که در آن به تأثیر منابع رانتی بر ایجاد و تقویت گره‌های شبکه سیاسی مبادرت گردید، در این قسمت به تجزیه و تحلیل «پیوندها» و «لبه‌ها» میان این گره‌ها پرداخته می‌شود تا میزان مرکزیت آنها در شبکه سیاسی بحرین مشخص گردد. گره‌هایی که در قسمت قبلی شناسایی گردید را می‌توان در قالب تقسیم‌بندی دقیق‌تری قرار داد که عبارت است از: آل خلیفه و خاندان سلطنتی (دولت)، قبایل سنی حامی، نیروهای امنیتی، بوروکراسی، بازرگانان، احزاب سنی حامی، اتحادیه‌های کارگری وابسته، کارگران خارجی، اتحادیه‌های کارگری مخالف دولت، احزاب شیعه، و شیعیان. این پیوندها از جهت توصیفی و کمی (بر اساس نرم‌افزار SocNetV) تحلیل می‌گردد.

۶-۱. توصیف و تحلیل پیوند گره‌ها و دولت در شبکه سیاسی بحرین

از آنجا که گره دولت، با تصرف درآمدهای رانتی به تسلط بر نهادهای سیاسی، استقلال از جامعه، توزیع منابع رانتی میان حامیان و افزایش قدرت سرکوب نائل گردیده است؛ بنابراین از بیشترین روابط یک‌سویه بر دیگر بازیگران برخوردار می‌باشد و لذا از مرکزیت بالایی در شبکه سیاسی بحرین برخوردار می‌باشد. به عنوان نمونه در خصوص تسلط دولت بر نهادهای سیاسی باید گفت از ۵۷۲ پست عمومی، ۱۰۰ شغل توسط اعضای خانواده سلطنتی تصاحب شده، که ۱۷ درصد از کل را تشکیل می‌دهد. با این حال، اگر پنج مؤسسه (گارد ملی، امنیت ملی، دادگاه نظارت مالی، دادگاه سلطنتی و دادگاه ولیعهد) را به آن اضافه کنیم، ارقام بیشتر خواهند شد (Bahrain Center for Human Rights, 2003, p.20). لذا در چنین وضعیتی برخی گره‌ها، قدرت خود را از طریق منافع مشترک با یکدیگر و پیوند وفادارانه با دولت تضمین می‌کنند. این نوع پیوندها با عنوان «کاماریلا»^{۱۴} نام‌گذاری شده است (Sinclair, 2001, p.27). در مقابل، برخی گره‌ها که فاقد این نوع روابط هستند، از مرکزیت پایینی در شبکه سیاسی برخوردارند. در ادامه به پیوندهای گره‌های حامی و گره‌های حاشیه‌ای با دولت پرداخته می‌شود.

الف. پیوند گره‌های حامی با دولت

در شبکه سیاسی بحرین گره‌های حامی موسوم به کاماریلای رانتی - قومی عبارتند از: قبایل سنی، نیروهای امنیتی، بوروکراسی، بازرگانان، احزاب سنی حامی، و اتحادیه‌های کارگری حامی دولت.

یک. پیوند گره قبایل سنی با گره دولت

برخورداری از امتیازات اقتصادی و سیاسی از سوی گره قبایل سنی به دلیل پیوندهای قومی - رانتی مشترک و رابطه وفادارانه با دولت بوده است. قبایل سنی شامل سه گروه اصلی می‌باشند: اول. قبایلی مانند الروماحی، المسلم، سودان و الدواسیر^{۱۵}، که آل خلیفه را در زمان فتح همراهی کردند و یا پس از فتح به آن پیوستند؛ دوم. نجدی‌ها هستند که از نجد، حرکت کردند تا با آل خلیفه در بحرین ساکن شوند. از جمله می‌توان به خاندان القصبی و الزیانی^{۱۶}، اشاره نمود؛ سوم، هووالا^{۱۷}، می‌باشد که شامل اعرابی هستند که از ایران به سواحل عرب مهاجرت کرده‌اند. این قبایل در تجارت و بازرگانی فعال هستند و در مناصب دولتی نیز از جایگاه بالایی برخوردار هستند (Gillespie & Gritzner, 2002, pp.63-64).

دو. پیوند گره نیروهای امنیتی و دولت

برخورداری نیروهای امنیتی از امتیازات مختلف باعث گردیده که این گره برای حفظ این امتیازات به رابطه وفادارانه با دولت متکی باشد؛ مضافاً اینکه خود دولت سلطه مستقیمی بر این گره دارد و مهم‌ترین موقعیت‌ها در تشکیلات نظامی بحرین مانند وزیر دفاع در دستان خویشاوندان پادشاه می‌باشد (Lutterbeck, 2012, p.42). همین‌طور دولت از نیروهای امنیتی خارجی برای تشدید روابط وفادارانه این گره استفاده نموده است. به‌کارگیری بیگانگان، جانبداری نظامی با مردم محلی در جریان اعتراضات را کاهش می‌دهد.

سه. پیوند گره بوروکراسی و گره دولت

تسلط آل خلیفه و خاندان سلطنتی در دستگاه‌های اداری باعث گردیده که بوروکراسی به عنوان یکی از بازیگران سیاسی، از استقلال لازم برخوردار نباشد و برای حفظ و کسب قدرت به پیوند وفادارانه با دولت مبادرت نماید. در این خصوص هر گونه

اصلاحات اداری، هر چقدر جزئی باشد، نیاز به تصویب کابینه یا حتی سلطنتی دارد (Common, 2008, p.183). علاوه بر این، اشتغال بخش دولتی برای اتباع، در ازای عدم مشارکت سیاسی نوعی تعهد اجتماعی بین رژیم و مردم به وجود آورده است (Winckler, 2013, p.68).

چهار. پیوند گره بازرگانان و دولت

تسلط خاندان آل خلیفه در اقتصاد باعث گردیده که پیوند گره بازرگانان با دولت مبتنی بر روابط وفادارانه باشد. بازرگانان قبل از کشف نفت، از دولت استقلال داشتند و دولت به آنها وابسته بود، اما این استقلال با استخراج نفت تضعیف گردید. در این دوران، حاکمان به تجار در مورد دسترسی به ثروت نفت از طریق قراردادهای دولتی و قوانین محدودکننده حقوق سرمایه‌گذاران خارجی به منظور حفاظت از بازار ملی اطمینان داده‌اند. بنابراین بازرگانان برای برخورداری از امتیازات رانته، به پیوندهای وفادارانه با دولت مبادرت نموده‌اند. اکثریت آنان از نخست وزیر تندرو در برابر اعتراضات سال ۱۲-۲۰۱۱ حمایت کردند (Nonneman & Kamrava, 2016, pp.3-10).

پنج. پیوند گره احزاب سنی حامی و گره دولت

گره احزاب سنی حامی نیز برای بهره‌مندی از امتیازات رانته و کسب قدرت در شبکه سیاسی مبادرت به پیوندهای وفادارانه با دولت نموده است. مهمترین این جریان‌ها عبارتند از: المنبر و الاصاله. المنبر، طرفدار حکومت است چرا که از طرف خاندان حکومتی و بخش بانکی حمایت می‌شود (حاتمی و بغیری، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۸). المنبر و الاصاله به همراه جمعیت شورای اسلامی و دیگر گروه‌های سنی مجمع وحدت ملی را تشکیل می‌دهند. آنها در مقابله با تظاهرات شیعیان، یک تجمع در حمایت از رژیم برگزار نمودند. (نیکو، ۱۳۹۱، صص. ۱۳۲-۱۳۱).

شش. پیوند گره اتحادیه‌های کارگری وابسته و دولت

دولت بحرین برای تفرقه‌افکنی بین جنبش‌های کارگری و مقابله با اتحادیه‌های کارگری با عضویت شیعیان، مبادرت به ایجاد اتحادیه‌های کارگری وابسته نموده است. به عنوان نمونه می‌توان به فدراسیون آزاد اتحادیه کارگری بحرین، اشاره نمود که عمدتاً برای ایجاد اتحادیه‌های سنی تشکیل شده است. این فدراسیون از دولت در بیشتر مسائل

کارگری حمایت می‌کند و با اعتصاب‌های عمومی مخالف می‌باشد. حمد آل طنادی^{۱۸}، نایب رئیس این فدراسیون می‌گوید: «برای بهبود زندگی اعضای خود، ما باید از دولت حمایت کنیم» (Erllich, 2012).

بنابراین هیچ‌یک از گره‌های بالا حاضر نیستند دولت را به چالش بکشند زیرا حفظ و گسترش قدرت آنها منوط به پیوند با دولت می‌باشد.

ب. پیوند گره‌های حاشیه‌ای با دولت

حاشیه‌ترین جایگاه‌ها در شبکه سیاسی مربوط به این گره‌ها می‌باشد: کارگران خارجی، اتحادیه‌های کارگری مخالف دولت، احزاب شیعه، و شیعیان. ارتباط این گره‌ها با دولت مبتنی بر منافع مشترک رانتی - قومی نمی‌باشد.

یک. پیوند گره کارگران خارجی و دولت

در میان گره‌های حاشیه‌ای وضعیت کارگران خارجی در شبکه سیاسی بحرین بهتر می‌باشد. اعطای تابعیت به غیربحرینی‌ها، بالتبع حمایت آنها از رژیم را موجب می‌گردد. همچنین ایشان به دلیل ترس از اخراج شدن، اعتصاب کمتری دارند (Louer, 2012, p.44).

دو. پیوند گره اتحادیه‌های کارگری مخالف و دولت

اتحادیه‌های کارگری مدت‌ها است که منطقه‌ای خاکستری در بحرین را اشغال کرده‌اند. در ابتدا شیعه و سنی در این اتحادیه‌ها غالباً متحد بوده‌اند. در سال‌های اخیر این اتحادیه‌ها تحت تأثیر شکاف‌های فرقه‌ای قرار گرفته است. از جمله این اتحادیه‌ها با عضویت گسترده شیعیان، می‌توان به فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری بحرین، اشاره نمود که از اعتراضات ۲۰۱۱ حمایت کرد و دولت آن را سرکوب نمود (Bahrain Labour Market Profile, 2014, p.4). الوفاق، کنترل این فدراسیون را در دست دارد (Erllich, 2012).

سه. پیوند گره احزاب شیعه و دولت

از آغاز فعالیت احزاب شیعه، پیوندهای مبتنی بر تضاد میان آنها و دولت وجود داشته است. به عنوان نمونه در سال ۱۹۶۸ جامعه روشنگری اسلامی^{۱۹}، به رهبری شیخ عیسی قاسم، تأسیس شد که در سال ۱۹۸۴، سرکوب گردید. همچنین در سال ۱۹۷۹ جبهه اسلامی برای آزادسازی بحرین^{۲۰}، تشکیل شد که در دسامبر سال ۱۹۸۱، به اتهام کودتا

سرکوب گردید (al-Mdaires, 2002, pp.2, 28-34). در سال‌های اخیر نیز می‌توان به جمعیت الوفاق، الحق، امل و انجمن اقدام اسلامی بحرین^{۱۱}، اشاره نمود که رهبران آنها پس از قیام ۲۰۱۱ زندانی شدند (Congressional Research Service, 2019, p.3).

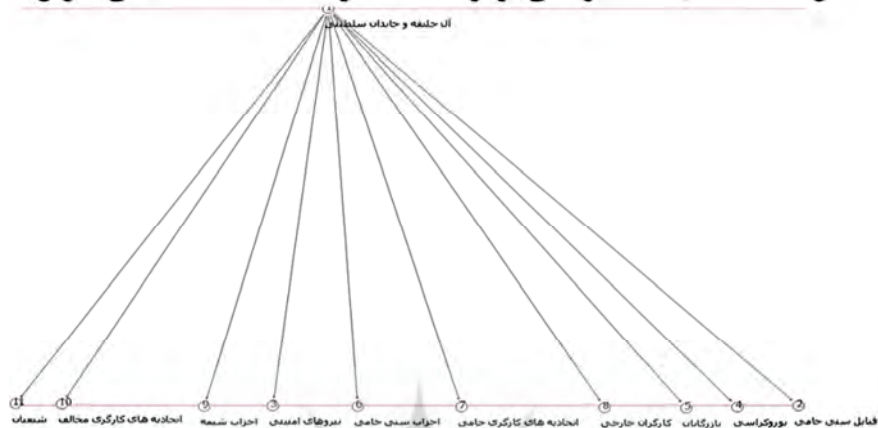
چهار. پیوند گره شیعیان و گره دولت

شیعیان در بحرین به رغم اینکه ۷۵ درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهند، تحت سلطه دولت سنی قرار دارند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۱) و حکومت همواره با اقدامات مختلفی به مقابله با آنان مبادرت نموده است. به عنوان نمونه در مناصب دولتی آنها از جایگاه پایینی برخوردار هستند. در این خصوص، از ۵۷۲ مقام عالی‌رتبه دولتی، شیعیان فقط ۱۰۱ شغل دارند که ۱۸ درصد از کل آن را تشکیل می‌دهد (Bahrain Center for Human Rights, 2003, p.10). از نظر مشارکت انتخاباتی نیز شیعیان از تبعیض‌های زیادی برخوردارند. همچنین حکومت با سرکوب اعتراضات، اعطای تابعیت به غیربحرینی‌ها و استخدام کارگران غیربحرینی به مقابله با شیعیان اقدام نموده است. بنابراین گره‌هایی که از رابطه شخصی و وفادارانه با دولت برخوردار می‌باشند از جایگاه بهتری در شبکه سیاسی نسبت به گره‌هایی که فاقد این روابط می‌باشند، برخوردارند.

۲-۶. تحلیل پیوند گره‌ها و میزان مرکزیت آنها در شبکه سیاسی بحرین بر اساس روش تجربی تحلیل شبکه‌ای

در این قسمت با استفاده از معیار «مرکزیت درجه» میزان مرکزیت گره‌ها در شبکه سیاسی بحرین بر اساس نوع و تعداد اتصالات آنها تجزیه و تحلیل می‌گردد. گره یک، یعنی دولت، در شبکه سیاسی بحرین حائز بالاترین مرکزیت می‌باشد زیرا از بیشترین تعداد رابطه مستقیم بر دیگر گره‌ها برخوردار است. بر این اساس تعداد اتصالات یک سویه دولت ۱۰ و اتصال دیگر گره‌ها صفر می‌باشد. چیدمان گرافیکی مرکزیت دولت بر اساس معیار «سطح‌بندی شده بر اساس شاخص برتری» مطابق شکل زیر (شماره ۲) می‌باشد:

شکل شماره (۲): چیدمان گرافیکی مرکزیت درجه‌گره دولت در شبکه سیاسی بحرین



(منبع: یافته‌های پژوهش)

ماتریس تعداد اتصالات کاماریلای رانتهی - قومی نیز به صورت جدول زیر می‌باشد:

جدول شماره (۲): ماتریس تعداد اتصالات کاماریلای رانتهی - قومی در شبکه سیاسی بحرین

Actor/Actor	1	2	3	4	5	6	7
1	0	1	1	1	1	1	1
2	0	0	1	1	1	1	1
3	0	1	0	1	1	1	1
4	0	1	1	0	1	1	1
5	0	1	0	1	0	1	1
6	0	1	0	1	1	0	1
7	0	1	0	1	1	1	0

(منبع: یافته‌های پژوهش)

هفت گره در شبکه فوق وجود دارد که عبارتند از: دولت؛ قبایل سنی؛ نیروهای امنیتی؛ بوروکراسی؛ بازرگانان؛ احزاب سنی حامی؛ و اتحادیه‌های کارگری وابسته. تعداد اتصالات این گره‌ها ۳۳ پیوند یک طرفه یا دو طرفه می‌باشد. در این خصوص گره (۱) یعنی دولت بر همه گره‌ها رابطه مستقیم دارد. گره (۲) و (۳) یعنی قبایل سنی و بوروکراسی با همه گره‌ها بغیر از دولت رابطه دو سویه دارند. گره (۳) یعنی نیروهای امنیتی با گره‌های قبایل سنی و بوروکراسی روابط دو سویه دارد اما با گره‌های احزاب، اتحادیه‌ها و بازرگانان رابطه یک سویه دارد. گره‌های (۵)، (۶) و (۷) یعنی بازرگانان، احزاب و اتحادیه‌ها نیز با همه

گره‌ها روابط دو سویه دارند ولی با گره نیروی امنیتی رابطه یک سویه از سوی نیروهای امنیتی دارند. بنابراین بغیر از دولت، گره‌های (۲)، (۳) و (۴) یعنی قبایل سنی، نیروهای امنیتی و بوروکراسی از بیشترین تعداد اتصالات برخوردارند. چیدمان گرافیکی مرکزیت کاماریلای رانتی - قومی بر اساس معیار «سطح‌بندی شده بر اساس شاخص برتری» مطابق شکل زیر (شماره ۳) می‌باشد.

شکل شماره (۳): چیدمان گرافیکی مرکزیت درجه کاماریلای رانتی - قومی در شبکه سیاسی بحرین



(منبع: یافته‌های پژوهش)

ماتریس تعداد اتصالات گره‌های حاشیه‌ای با یکدیگر و در رابطه با دولت نیز مطابق جدول زیر (شماره ۳) می‌باشد.

جدول شماره (۳): ماتریس تعداد اتصالات گره‌های حاشیه‌ای در شبکه سیاسی بحرین

Actor/Actor	1	2	3	4	5
1	0	1	1	1	1
2	0	0	1	1	1
3	0	0	0	1	1
4	0	0	1	0	1
5	0	0	1	1	0

(منبع: یافته‌های پژوهش)

پنج گره در شبکه فوق وجود دارد که به ترتیب عبارتند از: دولت؛ کارگران خارجی؛ اتحادیه‌های کارگری مخالف؛ احزاب شیعه و شیعیان. تعداد اتصالات آنها ۱۳ پیوند یک طرفه یا دو طرفه می‌باشد. در این خصوص سواى از گره دولت که بر همه گره‌ها رابطه

تبیین نقش منابع رانتی در ساختار قدرت دولت بر اساس رویکرد دیالکتیکی... / اعظم خانی ولدانی و دیگران / دانشیار ۴۷

مستقیم دارد، تعداد اتصالات گره (۲) یعنی کارگران خارجی نسبت به دیگر گره‌ها بیشتر می‌باشد چراکه دولت اهمیت بیشتری به آن در مقایسه با سایر گره‌ها می‌دهد و لذا از رابطه مستقیمی بر دیگر گره‌ها برخوردار است. چیدمان گرافیکی مرکزیت درجه این گره‌ها بر اساس «سطح‌بندی شده بر اساس شاخص برتری» مطابق شکل زیر (شماره ۴) می‌باشد.

شکل شماره (۴): چیدمان گرافیکی مرکزیت درجه گره‌های حاشیه‌ای در شبکه سیاسی بحرین



(منبع: یافته‌های پژوهش)

در نهایت ماتریس تعداد اتصالات همه گره‌ها در شبکه سیاسی مطابق جدول زیر (شماره ۴) می‌باشد.

جدول شماره (۴): ماتریس تعداد اتصالات کل گره‌ها در شبکه سیاسی بحرین

Actor/Actor	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11
1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
2	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1
3	0	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1
4	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1
5	0	1	0	1	0	1	1	1	1	1	1
6	0	1	0	1	1	0	1	1	1	1	1
7	0	1	0	1	1	1	0	1	1	1	1
8	0	0	0	0	0	0	1	0	1	1	1
9	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1
10	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1
11	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	0

(منبع: یافته‌های پژوهش)

یازده گره در شبکه فوق وجود دارد که عبارتند از: دولت؛ قباایل سنی؛ نیروهای امنیتی؛ بوروکراسی؛ بازرگانان؛ احزاب سنی؛ اتحادیه‌های کارگری حامی؛ کارگران خارجی؛ اتحادیه‌های کارگری مخالف؛ احزاب شیعه و شیعیان. تعداد اتصالات آنها ۷۱ پیوند یک‌سویه یا دوسویه می‌باشد که تعداد دفعات حضور آنها در شبکه سیاسی بحرین مطابق جدول زیر (شماره ۵) می‌باشد.

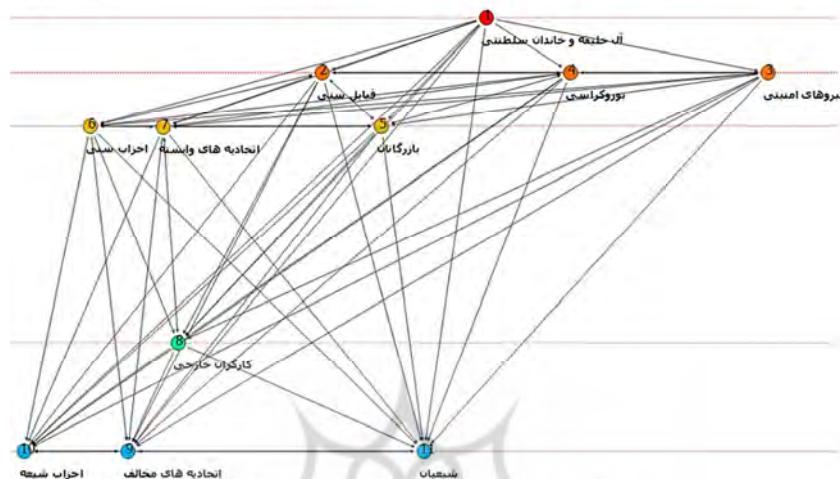
جدول شماره (۵): تعداد دفعات حضور کل گره‌ها در شبکه سیاسی بحرین

دفعات حضور در شبکه سیاسی	گره‌های شبکه ای
۱۰	۱. دولت
۹	۳. قباایل سنی
۹	۳. نیروهای امنیتی
۹	۴. بوروکراسی
۸	۵. بازرگانان
۸	۶. احزاب سنی
۸	۷. اتحادیه‌های کارگری حامی
۴	۸. کارگران خارجی
۲	۹. اتحادیه‌های کارگری مخالف
۲	۱۰. احزاب شیعه
۲	۱۱. شیعیان

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به آمار فوق، دولت پر قدرت‌ترین گره در شبکه سیاسی می‌باشد زیرا از بیشترین روابط مستقیم برخوردار است. در مقابل اتحادیه‌های کارگری مخالف، احزاب شیعه و شیعیان کم‌قدرتمندترین گره‌ها در شبکه می‌باشند. این مرکزیت، بر اساس چیدمان گرافیکی «سطح‌بندی شده بر اساس شاخص برتری» مطابق شکل زیر (شماره ۵) می‌باشد:

شکل شماره (۵): چیدمان گرافیکی مرکزیت درجه کل گره‌ها در شبکه سیاسی بحرین



(منبع: یافته‌های پژوهش)

در نهایت بر اساس «شاخص‌های مرکزیت و اعتبار»، وزن گره‌ها مطابق جدول زیر (شماره ۶) می‌باشد:

جدول شماره (۶): وزن کل گره‌ها در شبکه سیاسی بحرین

گره	عنوان	مرکزیت درجه	درصد مرکزیت درجه
۱	آل خلیفه و خاندان سلطنتی	۱۰,۰۰۰	۱۴,۰۸۵
۲	قبایل سنی حامی	۹,۰۰۰	۱۲,۶۷۶
۳	نیروهای امنیتی	۹,۰۰۰	۱۲,۶۷۶
۴	بوروکراسی	۹,۰۰۰	۱۲,۶۷۶
۵	بازرگانان	۸,۰۰۰	۱۱,۲۶۸
۶	احزاب سنی حامی	۸,۰۰۰	۱۱,۲۶۸
۷	اتحادیه‌های کارگری حامی	۸,۰۰۰	۱۱,۲۶۸
۸	کارگران خارجی	۴,۰۰۰	۵,۶۳۴
۹	اتحادیه‌های کارگران مخالف	۲,۰۰۰	۲,۸۱۷
۱۰	احزاب شیعه	۲,۰۰۰	۲,۸۱۷
۱۱	شیعیان	۲,۰۰۰	۲,۸۱۷

(منبع: یافته‌های پژوهش)

بر این اساس حداکثر وزن در شبکه مربوط به گره (۱) یعنی دولت (آل خلیفه و خاندان سلطنتی) می‌باشد. البته می‌توان گفت با توجه به اینکه دولت اکثر گره‌های قبایل سنی، نیروهای امنیتی و بوروکراسی را نیز اشغال نموده است، بنابراین وزن واقعی آن

چندین برابر است. گره‌های (۲)، (۳) و (۴) یعنی قبایل سنی حامی، نیروهای امنیتی و بوروکراسی از وزن یکسانی (۱۲.۶۷۶) در شبکه برخوردار هستند. در درجه بعدی گره‌های (۵)، (۶) و (۷) یعنی بازرگانان، احزاب سنی حامی و اتحادیه‌های کارگری حامی با وزن (۱۱.۲۶۸) قرار دارند. وزن این گره‌ها بدین دلیل بعد از گره‌های (۲)، (۳) و (۴) قرار می‌گیرد که با نیروهای امنیتی پیوند یک سویه دارند. پس از آنها گره (۸) یعنی کارگران خارجی با وزن (۵.۶۳۴) قرار می‌گیرد. در نهایت گره‌های (۹)، (۱۰) و (۱۱) کم‌ترین وزن (۲.۸۱۷) در شبکه سیاسی بحرین را اشغال می‌نمایند.

با توجه به یافته‌های فوق باید گفت ساختار قدرت در دولت بحرین مبتنی بر مدل «حامی - مشتری» است، چراکه دولت برای حفظ و تقویت قدرت خود مبادرت به ارائه امتیازات سیاسی و اقتصادی به گره‌های حامی در ازای وفاداری آنها نموده است. حفظ و تقویت این ائتلاف خطرات وارده بر قدرت دولت را کاهش داده است و لذا دولت را نیازمند توزیع قدرت در بین گره‌های حاشیه‌ای ننموده است.

۷. دیالکتیک شبکه و نتایج: بسته بودن شبکه سیاسی قومی - رانتی بحرین و بحران مشروعیت

با توجه به قسمت قبلی، مشخص گردید که شبکه سیاسی بحرین مبتنی بر روابط حامی - مشتری است که این نوع از روابط منجر به بسته شدن این شبکه در برابر دیگر گره‌ها خصوصاً شیعیان گردیده است. در این خصوص با توجه به دیدگاه اسپچاپ، می‌توان گفت نوع بسته شدن شبکه سیاسی بحرین، بسته شدن اجتماعی شبکه است زیرا شیعیان به عنوان مهم‌ترین بازیگران از ورود به شبکه حذف شده‌اند. این امر به صورت آگاهانه است و شبکه حاکمیت با اقدامات مختلفی به حذف آنان مبادرت نموده است. این نوع از بسته شدن، با بسته شدن شناختی شبکه (به صورت آگاهانه و ناآگاهانه) نیز در ارتباط بوده است.

بسته شدن شناختی شبکه به صورت آگاهانه بدین دلیل است که در طی آن یک خط خاص، خارج از نظم موجود اعلام می‌گردد. بر این اساس شبکه حاکمیت، شیعیان را با نظم قوم‌گرایی و توزیع درآمدهای رانتی میان آنها، مغایر می‌داند و لذا به منع ورود آنها به شبکه سیاسی مبادرت نموده است. در خصوص بعد ناآگاهانه شناختی شبکه نیز باید گفت شبکه حاکمیت، بر اساس چهارچوب‌های ذهنی به تفسیر شیعیان و نحوه ارتباط با

آنها پرداخته است. در این خصوص مهم‌ترین چهارچوب ذهنی عبارت است از ایدئولوژی‌های ضدشیعی و ضدایرانی. بر این اساس حاکمیت بحرین، افزایش نقش شیعیان در بحرین را به معنای تسلط آنان بر بحرین و نفوذ ایران بر این کشور ادراک نموده و لذا مانع از ورود آنان در شبکه سیاسی گردیده است.

شکل شماره (۶): روابط بین بسته شدن شبکه سیاسی بحرین



(طراحی شده توسط محققان)

ماهیت بسته شبکه سیاسی باعث بی‌اعتمادی ۷۰ درصد جمعیت شیعه این کشور به حکومت شده است (Kaye; Wehrey; Grant & Stahl, 2008, p.81). فقدان مشروعیت رژیم نهایتاً موجب قیام سال ۲۰۱۱ با حضور اکثریت جمعیت شیعه، گردید.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش گردید تا از رویکرد تحلیل شبکه‌ای که از جدیدترین رویکردها در پژوهش‌های معاصر است، در تبیین نقش منابع رانتی در ساختار قدرت دولت بحرین استفاده گردد. بر این اساس در مرحله دیالکتیک زمینه و گره‌های شبکه، به نقش زمینه اقتصادی رانتی در ایجاد و تقویت گره‌ها در شبکه سیاسی بحرین پرداخته شد. سپس در مرحله دیالکتیک شبکه و گره‌ها به تحلیل پیوندها میان گره‌ها و میزان مرکزیت آنها در شبکه سیاسی از جهت کیفی و کمی پرداخته شد. مشخص گردید که دولت از بالاترین مرکزیت در ساختار قدرت برخوردار می‌باشد و با توزیع منابع رانتی میان گره‌های حامی، به خرید وفاداری آنان مبادرت نموده و متقابلاً گره‌های حامی نیز از دولت در ازای این پاداش‌ها حمایت نموده‌اند. از آنجا که تعداد ائتلاف شبکه پیروان در بحرین زیاد می‌باشد،

بنابراین دولت نیازی به وارد کردن دیگر گره‌های حاشیه‌ای در شبکه سیاسی نداشته است. در قسمت دیالکتیک شبکه و نتایج نیز به انواع بسته شدن شبکه سیاسی بحرین و پیامدهای آن از جمله بحران مشروعیت پرداخته شد.

نتایج حاصل از ساختار قدرت دولت بحرین که مبتنی بر مدل حامی - مشتری است، حداقل از دو منظر عبارت است از: اول. ثبات در دولت رانتیر بحرین منوط به خرید نخبگان وفادار از طریق توزیع منابع رانتی می‌باشد نه مبتنی بر توزیع عادلانه درآمدها میان جامعه. بر این اساس رهبران توانسته‌اند با جذب وفاداری پیروان، حتی در مواقع آشوب‌های سیاسی نیز در امان باشند و حمایت این نخبگان را به همراه داشته باشند؛ و دوم. توزیع ناعادلانه درآمدهای رانتی و امتیازات مختلف میان جمعیت شیعیان با نوع ساختار قدرت در بحرین رابطه مستقیم داشته است. بنابراین انتظار توزیع عادلانه درآمدها و امتیازات مختلف میان جمعیت شیعه، بیهوده است چرا که ساختار قدرت در این دولت مبتنی بر حامی - مشتری است و همین امر برای ثبات و تداوم قدرت دولت کافی بوده است. آنچه که بر اهمیت این نتایج می‌افزاید این است که علاوه بر تحلیل روابط حامی - مشتری به صورت نظری، به کمی‌سازی این روابط با استفاده از نرم‌افزار (SocNetV) نیز مبادرت گردید که جنبه نوآورانه مقاله را نشان می‌دهد. در نهایت، این مقاله روش تحلیل شبکه‌ای را به عنوان یک رویکرد جدید در مورد مطالعه ساختارهای قدرت در دولت‌ها به طور عام و دولت‌های رانتیر به طور خاص پیشنهاد می‌دهد تا از تحلیل‌های یکسان‌نگارانه از ساختار قدرت در دولت‌های رانتیر و همین‌طور توصیفی بودن آن خودداری گردد.

یادداشت‌ها

1. Social Network Visualizer (SocNetV)
2. Patron-Client
3. Policy Network
4. Degree Centrality
5. Closeness Centrality
6. Betweenness Centrality
7. on Level by Prominence Index
8. Centrality and Prestige Indices
9. Bahrain Petroleum Company (BAPCO)
10. Amal and Al Haq
11. Bahrain Labour Federation (BLF)
12. General Federation of Bahrain Trade Unions (GFBTU)
13. Bahrain Labour Union Free Federation (BLUFF)
14. Camarilla
15. Al Rumahi, Al Musallam, Sudan, and Al Dowasir
16. Al Qusaibi and the Al Zayyani
17. Hawala
18. Said Hamad Al Thanadi
19. The Islamic Enlightenment Society
20. The Islamic Front for the Liberation of Bahrain (IFLB)
21. The Bahrain Islamic Action Society

کتابنامه

- آجیلی، هادی؛ گودرزی، کیهان؛ و شریتی، وحید (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی قیام مردم بحرین در قالب جنبش‌های اجتماعی نوین»، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۲(۴)، ۳۲-۹.
- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۹۲). «تحلیل شبکه‌ای، سرمایه اجتماعی و حوزه سیاست: درآمدی بر رویکرد سیاست شبکه‌ای»، فصلنامه سیاست، ۴۳(۲)، ۱۵۷-۱۳۹.
- اسکات، جان (۱۳۹۴). «پژوهش در مورد قدرت»، راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی (جلد ۱). کیت نش و آلن اسکات (قدیر نصری و محمد علی قاسمی، مترجمان). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسکاچپول، تدا (۱۳۸۲). «دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی (محمدتقی دلفروز، مترجم)، ۶(۱۱)، ۱۴۱-۱۱۹.
- جمهوری اسلامی ایران: وزارت بازرگانی (۱۳۶۴). بحرین. تهران: وزارت بازرگانی.
- حاتمی، محمدرضا، و بغیری، علی (۱۳۹۲). «جنبش‌های اسلامی بحرین»، دائرةالمعارف جنبش‌های اسلامی (جلد ۴). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸). «هلال شیعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا»، *دانش سیاسی*. ۱(۵)، ۱۹۲-۱۵۹.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۹۰). «الگوی آونگی در تحلیل مطالبات ملی: آزادی و امنیت- استبداد و بحران»، *دانش سیاسی*. ۷(۱۳)، ۸۷-۱۱۴.
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۹). «نظریه انتقال قدرت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *دانش سیاسی*. ۱۶(۳۱)، ۱۶۸-۱۴۵.
- کریستال، جیل (۱۳۷۸). *نفت و سیاست در خلیج فارس حکومت‌گران و بازرگانان در کویت و قطر (ناهد سلامی و شاپور جورکش، مترجمان)*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- کشاورزشکری، عباس، و سالم، ملیحه (۱۳۹۷). «زمینه‌های ساختاری و کارگزاری نهضت ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی ایران»، *دانش سیاسی*. ۱۴(۲۷)، ۹۰-۶۱.
- لوسیانی، جیاکومو (۱۳۸۶). «نفت و اقتصاد سیاسی خاورمیانه در روابط بین‌الملل»، *روابط بین‌المللی خاورمیانه*. لویست فاست (سیدمحسن علوی‌پور: مترجم)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- میرترابی، سعید (۱۳۸۵). *مسائل نفت ایران*. تهران: انتشارات قومس.
- نوگت، جفری و توماس، تئودور (۱۳۶۹). *بحرین و خلیج فارس (همایون الهی، مترجم)*. تهران: قومس.
- نیکو، حمید (۱۳۹۱). «ماهیت‌شناسی جنبش سیاسی بحرین»، *فصلنامه پانزده خرداد*. ۳(۳۲)، ۱۱۵-۱۴۲.
- واعظی، محمود (۱۳۹۲). *بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه: نظریه‌ها و روندها*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- al-Mdaires, Falah (2002). Shiism and Political Protest in Bahrain, *DOMES: Digest of Middle East Studies*. 11(1), 20-44, <https://doi.org/10.1111/j.1949-3606.2002.tb00440.x>
- Al-Rumaihi, Mohammed Ghanim (1973). Social and political change in Bahrain since the First World War. (Durham theses, Durham University), <http://etheses.dur.ac.uk/7942/>
- Bahrain Center for Human Rights (2003). Discrimination in Bahrain: The Unwritten Law, 1-30, <http://www.bahrainrights.org/files/BCHRreportonDiscrimination.pdf>
- Bahrain Human Development Report (2018). Pathways to Sustainable

- Economic Growth in Bahrain, DERASAT, http://hdr.undp.org/sites/default/files/bahrain_hdr_2018.pdf
- Basedau, Matthias & Lacher, Wolfram (2006). A Paradox of Plenty? Rent Distribution and Political Stability in Oil States, *GIGA Research Program: Dynamics of Violence and Security Cooperation*. N.21, 1-32, www.giga-hamburg.de/workingpapers
- Beblawi, Hazem (1987). In Hazem Beblawi and Giacomo Luciani (eds.), *The Rentier State in the Arab World*. 19, London and New York: Routledge.
- Brinkerhoff, Derick W. & Goldsmith, Arthur A. (2002). Clientelism, Patrimonialism and Democratic Governance: An Overview and Framework for Assessment and Programming, 1-51, <https://www.researchgate.net/publication/242081681>
- Cipriani, Paul. (2012). Oil Wealth and Regime Stability in Light of the Arab Spring, *journal where submitted, McGill University*. 1-21, <http://www.Graphitepublications.com>.
- Collier, p. , & Hoeffler, A. (2009). Testing the neocon agenda: democracy in resource-rich societies, *European Economic Review*. 53(3), 293-308.
- Common, Richard K. (2008). Administrative change in the Gulf: Modernization in Bahrain and Oman, *International Review of Administrative Sciences*. 74 (177), <https://www.researchgate.net/publication/249688897>
- Compston, Hugh (2009). *Policy Networks and Policy Change: Putting Policy Network Theory to the Test*. London: Palgrave Macmillan.
- Congressional Research Service (2019). Bahrain: Unrest, Security, and U.S. Policy, <https://fas.org/sgp/crs/mideast/95-1013.pdf>
- Dobratz, Betty A; Waldner, Lisa K; & Buzzell, Timothy (2016). *Power, Politics, and Society: an Introduction to Political Sociology*. New York: Routledge.
- Domhoff, G. William (1975). Analyzing Power Structures, *Critical Sociology*. 5(3), 3-5, <http://journals.sagepub.com/doi/pdf/10.1177/089692057500500301>
- Erlich, Reese (2012). Bahrain's labor unions split over uprising, <https://www.pri.org/stories/2012-12-13/bahrain-s-labor-unions-split-over-uprising>
- Eva, Sorensen & Torfing, Jacob (2007). In Sorensen, Eva and Torfing, Jacob, Introduction Governance Network Research: Towards a Second Generation, *Theories of Democratic Network Governance*. New York: Palgrave Macmillan.
- Franklin, Rob (1985). Migrant Labor and the Politics of Development in Bahrain, *Middle East Research and Information Project*. 132, 6-32, <http://www.jstor.org/stable/3011055>
- Gengler, Justin J. (2015). *Group Conflict and Political Mobilization in Bahrain and the Arab Gulf: Rethinking the Rentier State*. Indiana University Press.
- Gillespie, Carol Ann & Gritzner, Charles F. (2002). *Bahrain*. Philadelphia: Chelsea House Publishers.
- Jones, Marc Owen (2017). History of Bahrain, The Middle East and North Africa, https://www.researchgate.net/publication/315774944_History_of_Bahrain
- Kamrava, Mehran (2018). Oil and Institutional Stasis in the Persian Gulf,

- Journal of Arabian Studies Arabia, the Gulf, and the Red Sea*. 8(1), 1–12, <https://doi.org/10.1080/21534764.2018.1546929>
- Kaye, Dalia Dassa; Wehrey, Frederic; Grant, Audra K; & Stahl, Dale (2008). *More Freedom, Less Terror? Liberalization and Political Violence in the Arab World*, RAND, <https://www.rand.org/pubs/monographs/MG772.html>
- Knoke, David (1988). Power Networks, *The Palgrave Handbook of Political Elites*. Edited by Heinrich Best and John Higley, London: Palgrave Macmillan.
- Kreishan, Fuad M; Elseoud, Abou Mohamed Sayed; & Selim, Mohammad (2018). Oil Revenue and State Budget Dynamic Relationship: Evidence from Bahrain, *International Journal of Energy Economics and Policy*. 8(6), 174-179, https://www.researchgate.net/publication/329309994_Oil_Revenue_and_State_Budget_Dynamic_Relationship_Evidence_from_Bahrain
- Louer, Laurence (2012). Houses Divided: the Splintering of Bahrain's Political Camps, *Carnegie Endowment for International Peace*. <http://carnegieendowment.org/sada/2012/04/04/houses-divided-splintering-ofbahrain-s-political-camps/a6eo>.
- Louer, Laurence (2015). The Arab Spring Effect on Labor Politics in Bahrain and Oman, *International journal of archaeology and social sciences in the Arabian peninsula*. <https://journals.openedition.org/cy/2865>
- Lutterbeck, Derek (2012). Arab Uprisings, Armed Forces, and Civil–Military Relations, *Armed Forces & Society*. 39(1), 28-52, <https://doi.org/10.1177/0095327X12442768>.
- Mahdavy, Hossein (1970). The Patterns and Problems of Economic Development in Rentier States: the Case of Iran, *Studies in the Economic History of the Middle East: from the Rise of Islam to the Present Day*. London: Oxford University Press.
- Marsh, David & Smith, Martin (2000). Understanding Policy Networks: towards a Dialectical Approach, *Political Studies*. 48, 4-21, <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/1467-9248.00247>
- Niko, Samuel (2016). Mexican Political Elite: Social Network Analysis, *Social Networks*. <https://www.researchgate.net/publication/295855284>
- Nonneman, Gerd & Kamrava, Mehran (2016). Ruling Families and Business Elites in the Gulf Monarchies: Ever Closer?, *Chatham House*. <https://www.researchgate.net/publication/310150057>
- Qubain, Fahim I. (1955). Social Classes and Tensions in Bahrain, *Middle East Journal*. 9 (3), 269-280, <http://www.jstor.org/stable/4322721>
- Ross, Michael (2001). Does Oil hinder Democracy?, *World Politics*. 53(3), 325-61, <https://www.researchgate.net/publication/236710633>
- Rubin, Barnett R. (1992). Political Elites in Afghanistan: Rentier: State Building, Rentier State Wrecking, *International Journal of Middle East Studies*. 24(1), 77-99, <https://doi.org/10.1017/S0020743800001434>
- Schaap, Linze (2007). In Sorensen, Eva and Torfing, Jacob, Closure and Governance, *Theories of Democratic Network Governance*. New York: Palgrave Macmillan.
- Sinclair, Philip A. (2011). The political networks of Mexico and measuring centralization, *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 10, 26–35, <https://core.ac.uk/download/pdf/82325289.pdf>

- The global economy (2018). Bahrain, State legitimacy index, https://www.theglobaleconomy.com/Bahrain/state_legitimacy_index/
- Verkoren, Willemijn & Kamphuis, Bertine (2013). State Building in a Rentier State: How Development Policies Fail to Promote Democracy in Afghanistan, *International Institute of Social Studies*. 44(3), 501-526, <https://doi.org/10.1111/dech.12029>
- Vittori, Jodi (2019). Bahrain's Fragility and Security Sector Procurement, *CARNEGIE: Endowment for International Peace*. <https://carnegieendowment.org/2019/02/26/bahrain-s-fragility-and-security-sector-procurement-pub-78443>
- Winckler, Onn (2013). The Arab Spring: Socioeconomic Aspects, *Middle East Policy*. 20(4), 68-87, <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/mepo.12047>





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی